

## بررسی رابطه الگوهای فرزندپروری با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی

### فرزندان<sup>۱</sup>

دکتر هادی بهرامی احسان

استادیار دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

صغری باقرپور کماجالی

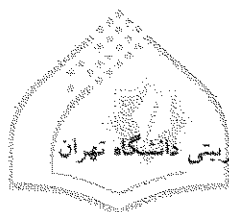
کارشناس ارشد روان شناسی عمومی

دکتر علی فتحی آشتیانی

استاد دانشگاه بقیه ا...

دکتر علی اصغر احمدی

استادیار دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران



### چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۴/۷ - تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۹/۴

به منظور بررسی رابطه الگوهای فرزند پروری با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان، یک نمونه ۴۰۰ نفری از دانش آموزان سال سوم راهنمایی منطقه چهار، شامل ۲۰۰ دختر و ۲۰۰ پسر که به طور تصادفی انتخاب شده بودند، به پرسشنامه ۲۸ سوالی سلامت روانیگلد برگ همراه با پرسشنامه اطلاعات شخصی پاسخ دادند. پدر ۴۰۰ تن از این دانش آموزان نیز به پرسشنامه الگوهای فرزند پروری بامریند پاسخ دادند. موفقیت تحصیلی در این پژوهش، میانگین معدل نیمسال قبلی فرزندان بود. متغیر مستقل اصلی الگوهای فرزند پروری والدین و متغیرهای وابسته سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان دختر و پسر بودند. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوهای فرزند پروری قاطع و اطمینان بخش، بیش از سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوهای فرزند پروری استبدادی و سهل گیر است. به علاوه، سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با تحصیلات پدر، رابطه مثبت و معنی دار داشت که نتایج نشان می دهد، افزایش اطلاعات پدران باعث آگاهی آن ها نسبت به سبک تربیت در مورد فرزندانشان شده و این موضوع منجر به در پیش گرفتن سبک تربیتی بهتر در آن ها می گردد.

کلیدواژه ها: شیوه فرزند پروری، سلامت روانی، موفقیت تحصیلی.

## مقدمه

بسیاری از محققان، ویژگی‌های عمومی رفتار والدین-کودک را در سه بعد تعریف نموده‌اند. این ابعاد عبارتند از: الف- گرمی<sup>۱</sup>: والدین با محبت به نیازها و علایق کودکان خود، بیش از نادیده انگاشتن و محروم کردن او پاسخ می‌دهند؛ ب- نظارت و کنترل<sup>۲</sup>: والدین دارای این بعد رفتاری مایلند از نزدیک کودکان خود را نظاره کنند و معیارهای قاطعی برای رفتار داشته و از فرزندان انتظار عملی کردن آن‌ها را دارند، ولی لزوماً آن‌ها را تنبیه نمی‌کنند (برنت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷)؛ ج- بعد درگیر بودن<sup>۴</sup>: والدین دارای این بعد، تنها قادر هستند نگرش‌ها و رفتار کودکان خود را توصیف کنند و از نظر نگرشی، کودک محورند (مکوبی<sup>۵</sup> و مارتین<sup>۶</sup>، ۱۹۹۲).

با توجه به ابعاد رفتاری «گرمی و کنترل»<sup>۷</sup> با «مهربانی»<sup>۸</sup> (۱۹۹۱)، سه نوع الگوی رفتاری والدین را ارائه نمود: الف- الگوی رفتاری قاطع و اطمینان بخش<sup>۹</sup>؛ ب- الگوی رفتاری مستبد<sup>۱۰</sup>؛ ج- الگوی رفتاری سهل‌گیر<sup>۱۱</sup>. والدین دارای الگوی رفتاری قاطع و اطمینان‌بخش در امر تربیت کودک خود کنترل و گرمی زیاد، والدین مستبد کنترل زیاد و گرمی کم، والدین سهل‌گیر کنترل کم و گرمی زیاد اعمال می‌نمایند (لمبورن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۱).

## الگوی تربیتی استبدادی

والدینی که شیوه تربیتی آن‌ها استبدادی است، بسیار متوقع هستند. این الگوی تربیتی مبتنی بر محبت نکردن، سرزنش، انتقاد و سخت‌گیری است. نگرش این والدین

1. warmish
2. control
3. Berndt
4. involvement
5. Maccooy
6. Martin
7. Baumrind
8. authoritative
9. authoritarian
10. permissive
11. Lamborn

این است که همان کاری را که من گفتم انجام بده! چون آن ها انتظار دارند فرزندانشان از دستورات آن ها بی چون و چرا اطاعت کنند، کمتر به گفت و گو با آن ها می پردازند، اگر کودک اطاعت نکند والدین به فشار و تنبیه متوسل می شوند. فرزندان که والدینی مستبد دارند، مضطرب، گوشه گیر و ناخشنود هستند، وقتی آن ها در تعامل با همسالانشان دچار مشکل می شوند، با خصومت واکنش نشان می دهند. پسر ها خشم و سرپیچی زیادی نشان می دهند و دختر ها وابسته می شوند و از تکالیف چالش انگیز عقب نشینی می کنند (بامریند ۱۹۹۱). این والدین، اغلب مقررات شدید و سختی را وضع می کنند که موجب می شود میان آن ها و فرزندانشان، روابط ارباب رعیتی برقرار گردد. رفتار استبدادی می تواند رابطه کودک و سرپرست را خراب کرده، احساس امنیت و عزت نفس را کاهش دهد. دختران خانواده های استبدادی بسیار منفعل، کناره گیر و با عزت نفس پایین هستند (ماش، ۲۰۰۰). والدین، کودک را به دلیل ناتوانی هایش سرزنش می کند و هر خطایی که از کودک سر بزند، فوری با او برخورد می شود. این گروه از کودکان ممکن است به طور مداوم میان افسردگی (سرزنش خود)، اضطراب (انتظار سرزنش) و حالت دفاعی (سرزنش دیگران) در نوسان باشند. علایم افسردگی و اضطراب در بیشتر فرزندان خانواده های مستبد یافت می شود (برایر و الیوت ۲۰۰۳).

### الگوی تربیتی سهل گیر

در این سبک، والدین مهرورز و پذیرا بوده و در عین حال متنوع نیستند و از هر گونه اعمال کنترل خودداری می کنند. این والدین به فرزندانشان اجازه می دهند در هر سنی که هستند خودشان تصمیم بگیرند، حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند. فرزندان این والدین می توانند هر وقت که می خواهند، غذا بخورند و بخوابند و هر قدر که می خواهند تلویزیون تماشا کنند. آن ها مجبور نیستند طرز رفتار خوب را

یاد بگیرند یا کارهای خانه را انجام دهند. برخی از والدین آسان گیر، واقعاً معتقدند که این روش بهترین روش است، اما بیشتر آن‌ها از توانایی خود در تأثیر گذاشتن به رفتار فرزندان‌شان مطمئن نیستند. در الگوی سهل گیر، کودکان از مسوولیت‌شان خالی می‌کنند و پرتوقع هستند. در این الگوی تربیتی، کودکان لوس، ضعیف‌النفس و وابسته و از لحاظ عاطفی «کودک صفت» تربیت می‌شوند. کودکی که به علت رفتار بیش از حد محبت آمیز والدینش صبر و تحمل در برابر ناملایمات را نیاموخته است، در بزرگسالی با مشکلات فراوانی رو به رو خواهد شد. این افراد در زندگی زناشویی و اجتماعی نیز انتظار دارند که همگی تابع هوس‌های آنان باشند و هنگامی که خواسته‌های آن‌ها برآورده نمی‌شود، خشمگین، آزرده خاطر، پرخاشگر و برآشفته می‌شوند. از نظر این افراد، دیدگاه‌های دیگران هیچ اهمیتی ندارد (پل هاک ۲۰۰۰، ترجمه صیفوریان واریسی ۱۳۸۳).

### الگوی تربیتی قاطع و اطمینان بخش

والدین مقتدر درخواست‌های معقولی از فرزندان خود دارند و این درخواست‌ها را با تعیین محدودیت‌ها و اصرار بر این که کودک باید از آن‌ها تبعیت کند به اجرا می‌گذارند. در عین حال، آن‌ها صمیمیت و محبت‌شان می‌دهند، صبورانه به نقطه نظرهای فرزندان‌شان گوش می‌کنند و در تصمیم‌گیری اعضای خانواده با یکدیگر مشارکت دارند. فرزندپروری مقتدرانه روشی منطقی است که در آن، حقوق والدین و کودکان محترم شمرده می‌شود. والدین همیشه بر رفتار کودک تأکید دارند و هرگز خود او یا شخصیتش را مخاطب قرار نمی‌دهند. به عنوان مثال، به کودک می‌گویند: «پسرم من دوست ندارم که تو با خواهرت با تندی صحبت کنی» و هرگز به او نمی‌گویند: «من تو را دوست ندارم، چون با پرخاش صحبت می‌کنی». این والدین، کودک را به علت کثیف کردن فرش خانه و یا شکستن پنجره طرد نمی‌کنند و تمام توجه خود را به اصلاح مساله اختصاص می‌دهند و هرگز سعی نمی‌کنند او را هراسان و پریشان ساخته یا مقصر جلوه دهند. این گونه والدین به فرزندان خود می‌گویند که از رفتار

آن‌ها ناراضی اند و آن‌ها را توجیه می‌کنند که تنبیه شان، تنها به منظور اصلاح رفتار است و هرگز قصد تخریب شخصیت آن‌ها را ندارند. والدین به مسایل و مشکلات کودکان، به عنوان جزیی از زندگی طبیعی کودک می‌نگرند و به رفتار ناپسند کودک به عنوان عملی که برای ناخشنود کردن آن‌ها صورت می‌گیرد توجه نمی‌کنند، بلکه رفتار ناپسند کودک را به عنوان مشکلی می‌بینند که نیاز به راه حل دارد (پل هاک ۲۰۰۰، ترجمه صیفوریان و ارسی ۱۳۸۳). این والدین عقیده دارند رفتارهای اشتباه کودکان برای رسیدن به بلوغ فکری و مقابله با مشکلات دوران بزرگسالی ضروری است. آن‌ها هرگز کنترل خود را از دست نمی‌دهند و تنبیه بدنی را به عنوان آخرین چاره و زمانی که تنبیه‌های دیگر ثمری نداشته باشد مورد استفاده قرار می‌دهند. (برک ۱۹۹۷، سید محمدی، ۱۳۸۳). کودکان والدین قاطع و اطمینان بخش، در مقایسه با کودکان دارای والدین مستبد، متکی به خود بوده، اعتماد به نفس بالا دارند. همچنین، دارای روحیه‌ای مستقل و احساس مسوولیت پذیری و در برخورد با مشکلات عملی، تحصیلی و ذهنی انعطاف پذیر هستند. تحصیلات نیز در تفاوت طبقه اجتماعی برای پرورش فرزند دخالت دارد. والدین طبقه متوسط، علاقه مند به محرک‌های کلامی هستند و تمایل به پرورش «ویژگی‌های درونی» فرزندان در دوره مدرسه دارند. (برجعی، ۱۳۷۸). جنسیت نوجوان نیز عامل تعیین کننده‌ای در جهت اعطای استقلال به فرزندان است (صیاد شیرازی، ۱۳۸۳). اکنون با توجه به آن چه گفته شد، این پرسش مطرح می‌گردد که انواع سبک‌های تربیتی با چه پیامدهای روان شناختی در فرزندان همراه است؟ آیا می‌توان بین سبک‌های تربیتی پدران<sup>۱</sup> با سلامت روانی<sup>۲</sup> و موفقیت تحصیلی<sup>۳</sup> فرزندان رابطه‌ای مشاهده کرد؟ و آیا رابطه‌ای بین ویژگی‌های دموگرافیک پدران با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان وجود دارد؟

---

1.patterns of child rearing

2.mental health

3.achievement

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

این تحقیق، با توجه به امکان پذیر نبودن تغییر در متغیر سبک های تربیتی والدین، از نوع طرح های علی - مقایسه ای است. در این گونه طرح ها، محقق در صدد است تا به بررسی نقش یک متغیر که در گذشته رخ داده است، بپردازد. همچنین، تمامی پدران و دانش آموزان پایه دوم و سوم راهنمایی در شهر تهران، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می دهند. به منظور دسترسی به نمونه معرف از پدران و دانش آموزان، روش تصادفی خوشه ای اجرا شد. ابتدا به منظور کنترل متغیرهایی مانند درآمد و یا تفاوت های فرهنگی شدید، از این جامعه، منطقه چهار آموزش پرورش انتخاب و از این منطقه چهار مدرسه راهنمایی به صورت تصادفی انتخاب شدند. در نهایت، از بین دانش آموزان دختر و پسر پایه دوم و سوم راهنمایی این چهار مدرسه، ۴۰۰ نفر به طور تصادفی (از هر جنس ۲۰۰ نفر) انتخاب شدند. سپس از طریق هماهنگی مدرسه، در جلسه ای، از پدران این فرزندان دعوت شد در مدرسه حاضر شوند و با جلب همکاری آن ها پرسشنامه الگوهای فرزند پروری در اختیار آن ها، قرار گرفت.

### ابزارهای پژوهش

#### الف. پرسشنامه شیوه های فرزند پروری

این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه سهل گیر، ۱۰ ماده به شیوه مستبد و ۱۰ ماده دیگر به شیوه قاطع و اطمینان بخش در امر پرورش فرزند مربوط می شود. در این پژوهش، آزمودنی ها با مطالعه هر ماده نظر خود را براساس یک مقیاس ۵ درجه ای مشخص می کنند. این پرسشنامه توسط بامریند، در سال ۱۹۹۱، بر اساس نظریه وی ساخته شد و در سال ۱۳۷۴ توسط اسفندیاری، به فارسی ترجمه گردید. میزان اعتبار این مقیاس در تحقیق اسفندیاری (۱۳۷۴) برای شیوه سهل گیری ۰/۶۹، برای شیوه مستبد ۰/۷۷ و برای شیوه قاطع و اطمینان بخش، ۰/۷۳ به

دست آمد. بامریند (۱۹۹۱)، میزان اعتبار<sup>۱</sup> این پرسشنامه، را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سهل گیر، ۰/۸۵ برای مستبد، ۰/۹۲ برای الگوی قاطع و اطمینان بخش پدران گزارش نمود. همچنین، وی در مورد میزان روایی<sup>۲</sup> پرسشنامه این نتایج را گزارش نمود: مستبد بودن مادر، رابطه معکوس با سهل گیری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی او (۰/۵۲) دارد (اسفند یاری، ۱۳۷۴).

#### ب. پرسشنامه سلامت عمومی

پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) ۲۸ سوالی دارای چهار مقیاس است که هر کدام از مقیاس‌ها ۷ سوال دارد. بهترین و مناسب ترین روش نمره گذاری، استفاده از مدل ساده لیکرت (با نمره های ۳ و ۲ و ۱ و ۰) برای گزینه های مواد پرسشنامه است. نمره ۲۳ و بالاتر، نشانگر نبودن سلامت عمومی و نمره پایین تر از ۲۳، بیانگر سلامت روانی است (دهقانی، ۱۳۷۹). این پرسشنامه در سال ۱۹۷۲ توسط "گلدبرگ"<sup>۳</sup> ساخته شد. نتایج فرا تحلیل گلدبرگ (۱۹۸۸) نشان داد که متوسط حساسیت آن برابر با ۰/۸۴ (بین ۰/۷۷ تا ۰/۸۹) است. در مطالعه مقدماتی نیز روایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. برای این کار، تمامی افرادی که در مطالعه مقدماتی پرسشنامه GHQ را تکمیل کرده بودند، جهت مصاحبه روان پزشکی دعوت شدند و سپس حساسیت پرسشنامه محاسبه شد (دادستان، ۱۳۸۰). "چونگ"<sup>۴</sup> (۱۹۹۴)، در مطالعه ای بدین نتیجه دست یافت که ضریب اعتبار شکل ۲۸ سوالی این پرسشنامه به روش بازآزمایی برای کل آزمون برابر ۰/۵۵ و برای مقیاس های نشانه های مرضی جسمانی ۰/۴۴، برای اضطراب ۰/۴۶، برای نارساکش وری اجتماعی ۰/۴۲ و برای زیر مقیاس افسردگی ۰/۴۷ بود. این پرسشنامه، در یک گروه نمونه دانشجویی، با تعداد ۲۲۳ نفر توسط جان بزرگی (۱۳۷۹) مورد

1.reliability

2.validity

3.Goldberg

4.Chong

استفاده قرار گرفت و ضریب اعتبار آن براساس آزمون آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۴ محاسبه گردیده است (دهقانی، ۱۳۷۹).

## نتایج

جهت بررسی این سوال که آیا سلامت روانی فرزندانی که با سبک های مختلف تربیتی پرورش یافته اند، متفاوت است، از روش تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که بین سلامت روانی فرزندان با الگوهای فرزند پروری مختلف، تفاوت معناداری ( $P \leq 0/01$ ) وجود دارد. برای تعیین جایگاه تفاوت ها از آزمون تعقیبی توکی بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که بین شیوه فرزند پروری سهل گیر، با شیوه فرزند پروری قاطع و اطمینان بخش و نیز بین شیوه فرزند پروری مستبد با شیوه فرزند پروری قاطع و اطمینان بخش، تفاوت معناداری در سطح  $P \leq 0/01$  وجود دارد (جدول ۱). لازم به ذکر است که مطابق پرسشنامه سلامت عمومی، نمره کمتر نشان دهنده سلامت روانی بیشتر است. بر این اساس، بیشترین میزان سلامت روانی در بین فرزندانی دیده می شود که مطابق سبک قاطع و اطمینان بخش تربیت شده و کمترین میزان سلامت روانی در بین فرزندانی دیده می شود که مطابق سبک مستبد تربیت شده اند.

جدول ۱. تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین سلامت روانی فرزندان، با الگوهای فرزند

پروری				
الگوهای فرزند پروری	نمره سلامت روانی	F میزان	سطح معناداری	جایگاه تفاوت بر اساس آزمون توکی
۱. سهل گیر	۳۴/۳۰	۱۹۳/۱۱۴	۰/۰۰۰۱	1>3, 2>3
۲. مستبد	۳۴/۰۸			
۳. قاطع و اطمینان بخش	۱۶/۱۳			



جهت بررسی این سوال که آیا میزان موفقیت تحصیلی فرزندان با سبک های مختلف تربیتی پرورش یافته اند متفاوت است، از روش تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد. همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می شود، الگوهای فرزند پروری مختلف تفاوت معناداری در سطح  $0/01 \leq P$  بین موفقیت تحصیلی فرزندان ایجاد کرده است. برای تعیین جایگاه تفاوت ها از آزمون تعقیبی توکی بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که بین شیوه فرزند پروری سهل گیر با شیوه فرزند پروری قاطع و اطمینان بخش و بین شیوه فرزند پروری مستبد با شیوه فرزند پروری قاطع و اطمینان بخش تفاوت معنی داری وجود دارد. ولی بین شیوه فرزند پروری سهل گیر با شیوه فرزند پروری استبدادی، تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین، نتیجه گرفته شد که بیشترین میزان موفقیت تحصیلی، در بین فرزندان دیده می شود که مطابق سبک قاطع و اطمینان بخش تربیت می شوند و کمترین میزان موفقیت تحصیلی، در بین فرزندان دیده شد که مطابق سبک مستبد یا سهل گیر تربیت می شوند.

جدول ۲. تحلیل واریانس، برای مقایسه میزان موفقیت تحصیلی فرزندان، با الگوهای فرزند پروری

الگوهای فرزند پروری	نمره موفقیت تحصیلی	F میزان	سطح معناداری	جایگاه تفاوت، بر اساس آزمون توکی
۱- سهل گیر	۱۶/۸۱	۱۷۷/۶۴۵	۰/۰۰۰۱	۲>۳, ۱>۳
۲- مستبد	۱۶/۹۳			
۳- قاطع و اطمینان بخش	۱۸/۹۴			

جدول ۴. شاخص های آماری تحلیل رگرسیون برای متغیرهای دموگرافیک پدران، به عنوان پیش بینی کننده موفقیت تحصیلی فرزندان

مدل	ضریب غیر		ضریب		t مقدار	سطح معناداری
	b	خطای استاندارد	استاندارد	استاندارد		
مقدار ثابت	۱۷/۹۲۲	۰/۵۲۱			۳۴/۴۱۳	۰/۰۰۰۱
سن پدر	-۳/۸۴	۰/۱۴	-۰/۱۶۰		-۲/۷۳۴	۰/۰۰۷
پدر با تحصیلات فوق لیسانس	۱/۶۶۷	۰/۲۰۲	۰/۳۷۲		۸/۲۴۲	۰/۰۰۰۱
پدر با تحصیلات لیسانس	۱/۳۷۵	۰/۱۳۷	۰/۴۵۷		۹/۹۹۸	۰/۰۰۰۱
شغل پدر	-۰/۲۳۸	۰/۱۳۶	-۰/۰۸۲		-۱/۷۶۱	۰/۰۸۲
تعداد فرزندان	-۲/۱۵	۰/۰۸۰	-۰/۰۱۳		-۰/۲۷۰	۰/۷۸۷
درآمد خانواده	-۴/۵۲	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۷۶		-۱/۷۶۱	۰/۰۷۹

نتایج جدول نشان می دهد که از ۶ متغیر مدل، ۳ متغیر قادر به تبیین تغییرات متغیر ملاک هستند. جالب این که دو متغیر به میزان تحصیلات پدر وابسته اند. تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس در پدران، با مقدار  $b=1/667$  مقطع فوق لیسانس و  $b=1/375$  برای مقطع لیسانس، به صورت معنی داری، تغییرات متغیر ملاک را پیش بینی می کنند. همچنین، یکی از این متغیرها به میزان سن پدر وابسته است. سن پدر با مقدار  $-3/84$   $b =$ ، به نحو معنی داری تغییرات متغیر ملاک را پیش بینی می کند. همچنین متغیر تحصیلات پدر و سن پدر با اطمینان ۹۹٪ توان تبیین متغیر موفقیت تحصیلی را دارد.

#### بحث در مورد یافته ها

این نتایج نشان می دهد که سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان پدران با الگوهای فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش، بیش از سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان والدین با الگوهای فرزند پروری استبدادی و سهل گیر است. نتیجه

این پژوهش، با نتایج بسیاری از تحقیقات گذشته در این زمینه هماهنگ است. به طور مثال، نتیجه تحقیق شیرازی (۱۳۸۲) مبنی بر این که افراد دارای انگیزه پیشرفت بالا، در محیط‌هایی پرورش می‌یابند، که از آنان انتظار کفایت و لیاقت می‌رود و در سنین پایین به آن‌ها استقلال داده می‌شود، در این پژوهش تایید می‌شود. از تحقیقات خارجی که همسو با نتیجه این تحقیق است، می‌توان به نتیجه تحقیقات لمبورن (۱۹۹۱) اشاره کرد. وی نشان داد نوجوانانی که والدین خود را به عنوان قاطع و اطمینان بخش طبقه‌بندی کرده بودند، بالاترین نمره را در کفایت اجتماعی و پایین‌ترین نمره را در مقیاس اختلال روانی - اجتماعی کسب کردند. برای نوجوانانی که والدین خود را به عنوان مسامحه کار طبقه‌بندی کرده‌اند، عکس قضیه صادق بوده است. نوجوانانی که والدین آن‌ها به عنوان مستبد طبقه‌بندی شده بودند، نمره‌های بالایی در مقیاس‌های مربوط به اطاعت و هم‌نویی با استانداردهای بزرگسالان نشان دادند. اما به طور نسبی، در مقایسه با نوجوانان دیگر، مفهوم خود پایین‌تری نشان دادند. در مقابل، نوجوانانی که از خانواده‌های آزاد گذار منطقی بودند، احساس اعتماد به نفس قوی از خود نشان دادند اما تا حدودی اختلال رفتاری در مدرسه و غیبت در مدرسه را گزارش دادند (لمبورن، ۱۹۹۱). نتیجه این پژوهش، مبنی بر این که موفقیت تحصیلی فرزندان والدین با الگوهای فرزند پروری قاطع و اطمینان بخش، بیش از موفقیت تحصیلی فرزندان والدین با الگوهای فرزند پروری استبدادی و سهل‌گیر است، با نتایج جمشیدی (۱۳۷۵) نیز هماهنگ است. در این مطالعه نشان داده شده است که عامل «نظم داشتن در مطالعه» و عامل «وظیفه‌شناسی»، به بهترین شکل، موفقیت تحصیلی را پیش‌بینی کرده است و ویژگی‌های دیگر شخصی نیز با درجات کم‌تری، با برون‌دادهای آموزشی (معدل نمرات) ارتباط دارد (جمشیدی عینی، ۱۳۷۵).

بررسی وجود رابطه بین ویژگی‌های دموگرافیک پدران (سن، تحصیلات، درآمد، شغل، تعداد فرزندان) با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان آنان، نشان داد که چنین رابطه مثبت و معناداری در گروه نمونه پژوهش، فقط بین تحصیلات پدر با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان آنان وجود دارد. همچنین، بین سن پدر با

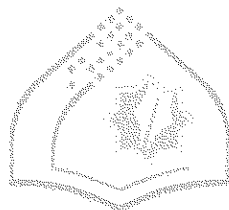
موفقیت تحصیلی فرزندان آنان رابطه منفی دیده شد. نتایج تحقیقات برجعلی (۱۳۷۸) نیز نشان داد که تحصیلات در تفاوت طبقه اجتماعی برای پرورش فرزند دخالت دارد. والدین طبقه متوسط علاقه مند به محرک های کلامی هستند و تمایل به پرورش «ویژگی های درونی» فرزندان خود در دوره مدرسه دارند. این تحقیق، با نتیجه تحقیق حاضرمبنی بر این که با افزایش تحصیلات پدر سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان آنان افزایش می یابد و موفقیت تحصیلی فرزندان با سن پدر رابطه معکوس دارد، همخوان است. با این توصیف، اگر چه هیچ پژوهشی مشابه این پژوهش، به طور مستقیم به بررسی رابطه سبک فرزند پروری پدران و سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی فرزندان نپرداخته اما نتایج به دست آمده، ضمن آن که با اغلب تحقیقات انجام شده در این حوزه هماهنگ است، نتایج نشان می دهد که نقش پدران در تامین سلامت روانی پیشرفت تحصیلی فرزندان بسیار فزاینده تر از چیزی است که برآورد می شد. نکته ای که انجام پژوهش های دیگر در این حوزه را ضروری می سازد، نکته مهم دیگر در این زمینه توجه به نقش و جایگاه پدر در تبیین های روان شناختی است. به صورت سنی، روان شناسی بر مفهوم مادر و مناسبات مادر و فرزند، به عنوان مبنای همه تحولات روان شناسی تاکید داشته است. در ادبیات روان شناسی، نقش پدر کمتر مورد توجه بوده و معمولاً در ارزیابی ها، به عنوان یک نقش حاشیه ای، ارزیابی می شود. این در حالی است که برخی شواهد پژوهشی، از جمله نتایج تحقیق حاضر، نشان می دهند که نقش پدر در شکل گیری ویژگی های خاص روان شناختی نظیر اختلالات روان شناختی یا سلامت روانی و نیز پیشرفت تحصیلی، بسیار جدی و غیرقابل چشم پوشی است. ضروری است تا تحقیقات بیشتر برای بازشناسی اثرهای این پدیده در فرآیند تعلیم و تربیت و پرورش فرزندان انجام پذیرد و چگونگی اثرهای این رابطه مورد توجه قرار گیرد.

## مآخذ

- اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تاثیر آموزش مادران بر اختلال رفتاری کودکان. پایان نامه چاپ نشده فوق لیسانس، انستیتو روان پزشکی تهران.
- برک، لورای (۱۹۹۷). مترجم یحیی سیدمحمدی. ۱۳۸۳. روان شناسی رشد، تهران: نشر ارسباران.
- برجعلی، (۱۳۷۸). رابطه الگوهای فرزند پروری والدین با تحول روانی - اجتماعی فرزندان، رساله دکتری، رشته روان شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- صیاد شیرازی، مریم (۸۳-۱۳۸۲)، رابطه بین سبک های تربیتی والدین و شکل گیری نوع هویت دینی نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جمشیدی عینی، شیرین (۱۳۷۵). بررسی رابطه شیوه های نگرش فرزندپروری و اخلاقیت. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- پل هاگ ۲۰۰۰، مترجمان حسین صیفوریان، محمد طاهر ریاضی ارسبی ۱۳۸۳، موفقیت در تربیت فرزندان (۱۸-۵ سالگی) با رویکرد عقلانی - عاطفی الیس، تهران: رشد.
- دهقانی، اکرم (۱۳۷۹) بررسی رابطه عزت نفس، مسند مهارگری و سلامت روانی در بین دانش آموزان پایه اول متوسطه شهر تهران، کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی دانشگاه تهران.
- دادستان، پریرخ (۱۳۸۰). روان شناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی (ج ۱)، تهران: انتشارات سمت.

- Baumrind, D. (1991) Current patterns of parental authority. *Developmental psychology Monographs*, 4, 1-101
- Berndt, T. J. (1997). *Child Development*. London Harcourt, Brace
- Jovanovich, Brier, J. Elliot, D. (2003) Prevalence and Psychological Sequela of self report childhood Psychological and sexual and in a general populationsample of men and women child abuse and neglect vol 27.iss10. pages 1205 - 1222 .
- Chong, W. H. (1994) Support networks promoting e-health in youth , University of Tasmania, Australia
- Goldberg, D. P. (1988) A scaled version of the general health Questionnaire. *psychological medicine*, 9, 139, 145.

- Lamborn, S.D. and et.al.(1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative and authoritarian and neglectful Families. *Adolescent psychiatry*. Chin Ritionlin
- Maccoby, E, Martin, J.(1992) Socialization In Context Of The Family Parent. Child interaction. In. EM, Hetherington (Ed.), P.H.Mussen Lseriesed, *Handbook of Child Psychology*. Vol. 4 *Socialization, Personality, and Social Development* (pp – 11 – 14) New York: Wiley.
- Mash, E.Wolfe, D(2001) *Abnormal child Psychology* International Thomson publishing company



مجله روانشناسی و علوم تربیتی